



پخش فیلم صحنه قتل در جلسه محاکمه

راکب موتور سیکلکت که به خاطر چشم در چشم شدن مر تکب قتل مردی رهگذر شده‌بود، پس از مشاهده فیلم حادثه در دادگاه هم جرمش را انکار کرد. به گزارش جوان، ۲۶ خردادسال ۹۷، مأموران پلیس از قتل مرد جوانی در یکی از خیابان‌های اسلامشهر باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد بهمن ۱۹ساله در جریان درگیری با دو موتورسوار بر اثر ضربات چاقو کشته شده‌است. یکی از شاهدان حادثه که در محل حضور داشت به مأموران گفت: «بهمن از بچه‌های محل و در مرخصی سربازی بود. او سر کوجه ایستاده بود و با هم صحبت می‌کردیم که ناگهان با دو پسر موتورسوار چشم در چشم و سپس درگیر شد. در آن درگیری یکی از آنها با چاقو چند ضربه به بهمن زد و سپس هر دو با هم گریختند.»

باانتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات در این زمینه آغاز شد تا اینکه در روند تحقیقات، مأموران با رصد دوربین‌های مداربسته توانستند یکی از متهمان به نام جواد ۲۵ساله را شناسایی و دستگیر کنند. جواد به پلیس آگاهی منتقل شد و در بازجویی‌ها گفت: «آن روز همراه دوستانم به نام مصطفی مشروب خورده بودیم و در حال طبیعی نبودیم. سوار موتور بودیم تا در خیابان‌ها چرخی بزنیم که مقتول را دیدیم. او به خاطر چشم در چشم شدن با



کور کردن چشم رفیق هنگام شوخی

پسری که هنگام شوخی با یکی از دوستانش باعث کور شدن یکی از چشم‌هایش شده‌بود، در خواست گذشت کرد. به گزارش جوان، رسیدگی به پرونده از ۱۱ آبان‌سال ۹۷، با تخلیه چشم چپ پسر ۲۰ساله به نام ماهان در جریان یک شوخی دوستانه آغاز شد. پسر جوان که به تازگی از بیمارستان مرخص شده بود در طرح شکایت خود به مأموران گفت: «چند روز قبل با دوستم برای خرید کتاب کمک درسی از خانه بیرون رفتم که هنگام برگشت در پارک مرزداران یکی از دوستانم به نام آرمان را دیدم. او همراه دوستانش دور یک آتش نشسته بود و در حال خوردن مشروب بود. آرمان وقتی مراد ید خواست برایش سیگار بخرم، قبول کردم و بعد از خرید سیگار دوباره وارد پارک شدم که یکباره شروع به فحاشی کرد.» شاکي ادامه داد: «آرمان مست بود. بارها دیده‌بودم او در حالت شوخی سنگ و چوب پرتاب می‌کند. آن روز وقتی شروع به فحاشی کرد چوب را در دستش دیدم به همین خاطر از ترس پشت بونه‌ها رفتم و پنهان شدم. در یک لحظه سرم را بالا آوردم تا اعتراض کنم اما او چوب را از فاصله ۵متری به سمت پرتاب کرد که باعث آسیب چشم شد.» باثبت این شکایت آرمان دستگیر شد و در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد.

زن دعانویسی اسیدپاشی اجیر کرده بود

اعضای یک شبکه که به اتهام اسیدپاشی روی یکی از وکلای دادگستری بازداشت شده‌اند مدعی هستند از سوی زنی دعانویس اجیر شده‌اند.

به گزارش جوان، ساعت ۴بعد از ظهر دوشنبه سوم تیرماه‌امسال بود که مأموران کالتری۱۲۵ یوسف‌آباد حادثه اسیدپاشی را به قاضی ساسان غلامی، باز پرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران اطلاع دادند. مأموران اعلام کردند مرد ۵۱ساله در دفتر کارش در ساختمان تجاری حوالی خیابان اسدآباد از سوی چند مرد و زن ناشناس مورد اسیدپاشی قرار گرفته و برای درمان به بیمارستان فیروزگر منتقل شده‌است.

بررسی‌های تیم جنایی در محل حادثه نشان داد قربانی اسیدپاشی که ابراهیم نام دارد و کیل پایه یک دادگستری‌است که در دفتر و کالتش از سوی چهار مرد و یک زن ناشناس پس از ضرب و جرح هدف اسیدپاشی قرار گرفته‌است. مرد زخمی در حالی که قادر به حرف زدن نبود با کلمات بریده به مأموران گفت: در حال خارج شدن از دفتر بودم که مرد و زنی برای انجام کار و کالت وارد دفترم شدند. هنوز ثانیه‌هایی نگذشته بود که از پشت مورد ضرب و جرح قرار گرفتم و بعد بی‌هوش شدم. در حالی که علمان این حادثه هیچ ردپایی از خود باقی نگذاشته بودند مأموران تر تحقیقات

گفت و گو با مرد اسیدپاش

خودت را معرفی کن؟

فرشاد هست. ۵۴ساله و بیک موتوری هستم.

با وکیل چه اختلافی داشتی؟

اصلا او را نمی‌شناختم که اختلافی داشته باشم.

پس چرا روی او اسید پاشیدی؟

از سوی زن دعانویسی به نام شراره اجیر شدم.

بازن دعانویس چطور آشنا شدی؟

چهار سال قبل همراه خواهرم برای گرفتن دعا پیش

او رفتمیم. پس از اینکه خواهرم دعا گرفت از من خواست به عنوان بیک موتور در دفتر کارش مشغول شوم. حقوق خوبی پیشنهاد داد و من هم قبول کردم. من معمولاً روزی دو تا دعا را به آدرسی که می‌داد، می‌بردم و تحویل مشتری می‌دادم.



کار کرد و من هم خوشحال بودم که ناگهان سرو کله زن دعانویس پیدا شد و گفت بابت دعاها باید ۷۰۰میلیون تومان به آنها پرداخت کنم. او هرروز همراه تعدادی دیگری که با او کار می‌کردند مرا خواست و کالت پرورنده خواهرش که از سوی زن دعانویسی مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌است به عهده بگیرم. موکلم گفت: «مدتی بود شوهرم که مهندس است پروژه کاری نگرفته‌بود که فکر می‌کردم طلسم شده‌ام تا اینکه در آرایشگاه زنانه‌ای بازن دعانویسی آشنا شدم که مدعی بود باعاً مشکلات افراد زیادی را برطرف کرده‌است. ۱۲۰میلیون تومان به او دادم و چند دعا گرفتم. مدتی گذشت و شوهرم در چند پروژه شروغ به

دفتر کار داشت؟

بله، آن زمان دفترش در کرج بود. اما مدتی بعد دفتر را به مکان

دیگری منتقل کرد که من آدرس آن را نمی‌دانم.

پس چطور دعاها را تحویل می‌گرفتی و به مشتری می‌دادی؟

معمولاً تلفنی. با من قرار می‌گذاشت و یکی از کارمندانش در یکی از

خیابان‌های جنوب غربی تهران دعا را تحویل من می‌داد.

اختلافش با وکیل چه بود؟

خیلی از او کینه داشت و می‌گفت روی او اسید پاشیم و کورش

کنیم. قرار بود پس از اسیدپاشی و ضرب و جرح یکی از کارکنانش

پرونده‌ای را از دفتر وکیل سرقت کند.

اسیدرا خودش در اختیار شما قرار داد؟

بله، یک روز بعد از حادثه ۲۰میلیون تومان به حسام‌واریز کرد. اما

از این ۲۰میلیون تومان، ۳میلیون تومان سهم من شد.

طراحی کرد و به گفته خودش آب باتری در اختیار من قرار داد.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

آن روز ابتدا ژنیوس و یکی از کارکنان شراره وارد دفتر شدند و

بعد من و کمال و صابر وارد شدیم. کمال و صابر او را به شدت

کتک زدند و من هم روی بدن وکیل مایع اسیدی پاشیدم. در آخر

ژنیوس و همکارش پرونده را سرقت کردند و ما هم با تاسی که

قبلاً کرایه کردیم، دزدیم، فرار کردیم.

چرا قبول کردی اسید پاشی؟ به خاطر مشکلات مالی.

زن دعانویس چقدر پیشنهاد داد؟ ۲۰میلیون تومان.

پول را پرداخت کرد؟

بله، یک روز بعد از حادثه ۲۰میلیون تومان به حسام‌واریز کرد. اما

از این ۲۰میلیون تومان، ۳میلیون تومان سهم من شد.

هر دو مشکل مالی داشتیم پیشنهاد سرقت داد

و نقشه سرقت را طراحی کرد. بعد، من، عابد را

که خیاط محل‌مان بود هم به پاند اضافه کردیم.

مطابق نقشه سارا به بهانه در خواست تماس

اضطری خودش را به سوزنه‌هایی که انتخاب

می‌کردیم می‌رساند و بعد از گرفتن گوشی تلفن

همراهشان فرار می‌کرد. وقتی هم که شاکیان

او را دنبال می‌کردند ما راهشان را سد کرده و با

تهدید چاقو و قفل فرمان آنها را کتک می‌زدیم

و فرار می‌کردیم. گوشی‌های سرقت شده را هم

به مالخران فروخته و پول آن را بین خودمان

تقسیم می‌کردیم. با اطلاعاتی که متهم در اختیار

پلیس گذاشت عابد و سارا در مخفیگاه‌هایشان

در خیابان‌های جمهوری و بی‌سیم شناسایی و

بازداشت شدند.

سهرنگ کارآگاه نثاری، رئیس پایگاه چهارم

پلیس آگاهی پایتخت گفت: در حال حاضر

ارزش ریالی پرونده یک میلیارد تومان است و

تحقیقات برای شناسایی جرائم بیشتر متهمان

در جریان است.

کشف ۱۰۰ کیلوگرم حبشیش در پایتخت

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر پایتخت از کشف ۱۰۰کیلوو ۵۰۰گرم حبشیش و دستگیری سه سوداگر مرگ‌خبر داد.

به گزارش جوان، سهرنگ محمد یخشنده گفت: مأموران پایگاه نهم پلیس مبارزه با مواد مخدر پایتخت در جریان تحقیقات خود متوجه شدند اعضای یک

آگهی مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودروی سواری پراید تیپ صبا جی تی ایکس مدل ۱۳۸۲ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۲۸ – ۳۶۷ – ۲۲ به شماره موتور۰00521883 و شماره شاسی S1412282980735 متعلق به آقای شکر خدا ملکی بسا کدملی ۶۱۲۰۳۷۴۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

سند مالکیت و کارت موتورسیکلت مدل ۱۳۹۱ به شماره موتور۱63fml-21008040 و شماره تنه ۹۱۷۲۲۰۸۰۹۱ تحت پلاک ۸۳۳ فرعی از ۲۷۳۳ اصلی بخش ۳ سندج به مساحت ۵/۷۳۰ مترمربع به آدرس سندج روستای نران زمین مشهور به تالیه

بخش ۳:

۱. شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی بنام هوشنگ رستمی فرزند محمدعلی شماره شناسنامه ۱۱۲۶ صادره سندج کدملی ۳۷۳۰۸۰۹۱۷۲ تحت پلاک ۸۳۳ فرعی از ۲۷۳۳ اصلی بخش ۳ سندج به مساحت ۵/۷۳۰ مترمربع به آدرس سندج روستای نران زمین مشهور به تالیه



مردی که پس از بزم شبانه یکی از دوستانش را با ضربه چاقو به قتل رسانده با اعلام گذشت اولیای دم از مرگ فاصله گرفت.

به گزارش جوان، ۲۶ بهمن‌سال ۹۷ مأموران پلیس از قتل مرد جوانی در یکی از خیابان‌های غرب تهران باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به محمد ۳۰ساله بود که بر اثر اصابت چاقو از سوی دوستش فواد ۲۵ساله کشته شده بود.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی فواد که در محل حادثه حاضر بود، بازداشت شد. او به پلیس آگاهی منتقل شد و در بازجویی‌های به جرمش اقرار کرد و گفت: «قصدم کشتن مقتول را نداشت و قتل اتفاقی بود.»

با اقرارهای متهم و بازسازی صحنه جرم پرونده در حال کامل شدن بود که اولیای دم با مراجعه به دادسرا اعلام رضایت کردند. به این ترتیب پرونده برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به شعبه ششم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

صبح دیروز پرونده روی میز هیئت قضایی همان شعبه قرار گرفت و بعد از اعلام رسمیت جلسه، متهم در جایگاه ایستاد و در شرح ماجرا گفت: «اهل افغانستان بودم و در همان بچگی همراه خانواده‌ام به فرانسه رفتم. بیشتر اقوام و دوستانم در ایران بودند و همین دلیل هر بار برای سه‌ماهه می‌گرفتم برای دیدن آنها به ایران می‌آمدم.»

متهم ادامه داد: «شب حادثه دوستانم مهمانی

گرفته‌بودند و مرا هم مشروب کرده بودند. دور هم

نشسته بودیم و می‌خوردیم که ناگهان

حالم بد شد طوری که خون بالا می‌آورد. وقتی

حالم بهتر شد دوستانم مرا سوار ماشین کردند تا

ماشین محمد ببرند اما یکبار، درصمیمشان عوض

شد و قرار شد به خانه سرورهایم بروم.» متهم

در خصوص حادثه گفت: «خیلی رابطه خوبی با

پسر دایم نداشتیم به همین دلیل مخالفت کردم و

دراودین محمد پیاده شد. همان موقع کاپشنم را

دست گرفتم. همان لحظه محمد اصرار کرد دوباره

مرا سوار ماشین کند که در آن کشمکش نمی‌دانم

چطور با چاقو به او ضربه زدم. فردای آن روز بود که

متوجه شدم محمد فوت کرده‌است.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «۱۱ساله بودم که

پدرم فوت کرد و مادرم را در ۱۶سالگی از دست

دادم. این شرایط در روحیه من تأثیر بدی گذاشت

به همین دلیل گرفتار بیماری روانی و روحی شدم.

از طرفی محمد از دوستان صمیمی‌ام بود. خانواده

او می‌دانستند مرگ او ناخواسته بود به همین دلیل

رضایت دادند و مرا شرمنده کردند. از دادگاه تقاضا

دارم در مجازات تخفیف دهند تا هر چه زودتر به

کشور فرانسه برگردم.»

در آخر هیئت قضایی وارد شور شد.

سرت دوربین‌های مدار بسته قفس یوز پلنگ آسیایی

دزد سحر خیز که اقدام به سرقت دوربین‌های مدار بسته اطراف قفس یوز پلنگ آسیایی کرده‌بود، بازداشت شد.

به گزارش جوان، سهرنگ علی آقا طیبی، رئیس کالتری ۱۳۹ مرزداران توضیح داد: ساعت‌و دو بامداد ۱۷شهریو کارکنان حراست همان موقع محیط زیست به مأموران خبر دادند که مردی را هنگام سرقت دوربین‌های مدار بسته بازداشت کرده‌اند. لحظاتی بعد مأموران در محل حاضر شدند و متهم را بازداشت کردند. متهم در اولین بازجویی‌ها گفت که مرتکب سرقت شده‌است، اما وقتی مأموران در بازرسی بدنی از او یک دوربین مدار بسته کشف کردند، او به جرمش اعتراف کرد. مأموران پلیس همچنین در بازرسی از خودروی متهم دو دوربین سرقت شده دیگر هم کشف کردند. سهرنگ طیبی گفت: دوربین‌ها متعلق به اطراف قفس یوز پلنگ آسیایی بود و تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم در جریان است.

اداره ثبت نام و املاک حوضه ثبت ملک بندر گناوه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۹ تصمیما ت برابر رای شماره ۱۰۰۵۸۳-۱۳۹۶-۳۴۴۰۳۴۸۶/۷۸/۵۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای منصور نعمتی فرزند حسین صادرة از گناوه را نسبت به شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۲۰۱ مترمربع در قسمتی از پلاک ۹۱۷ واقع در امام زاده گناوه محرر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزه آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

نوبت اول: ۹۸/۶/۲۶- نوبت دوم: ۹۸/۷/۱۰

الف: ۲۰۴/۲۰/ مجید امیری – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گناوه